شهادت هدیه درستکاری محمود بود

روایت زندگی و شهادت پرخیر شهید محمود صارم‌بافنده از زبان برادر

سمیرا شاهیان

محمود، بودنش نعمت بود، نبودنش هم نعمت بود. در سال‌های بودنش تا پای جان برای مقابله با سوداگران مرگ پای کار بود و در نبودنش هم انگیزه شد برای بهبود برادر از زخم اعتیاد و شروع دوباره روزگار پاکی. قرار است روایت محمود را از زبان برادرش بشنویم، از کارها و زندگی محمود و از زندگی جدید علی‌اصغر که شهادت برادر، زیر و رویش کرد و او را از نیستی به زندگی بازگرداند.

محمود اگر بود الان پنجاه و شش ساله بود. بچه محله «کوچه زردی»، فرزند پدری گرمابه‌دار و معتمد محل بود. «گرمابه مهر» جای بده‌بستان‌های مودت و مهربانی اهالی یک محل بود. حاج آقا صارم‌بافنده، صبح‌ها که خورشید بالا می‌زد، روی یک صندلی در ورودی گرمابه می‌نشست تا پذیرای سلام و احوالپرسی مردم شود و روی خوش نشان دهد، تا پاکی آب به جان مردمی بنشیند که خیلی‌هاشان هنوز خانه‌هایشان آن‌قدر توسعه پیدا نکرده بود که در خانه حمام داشته باشند.

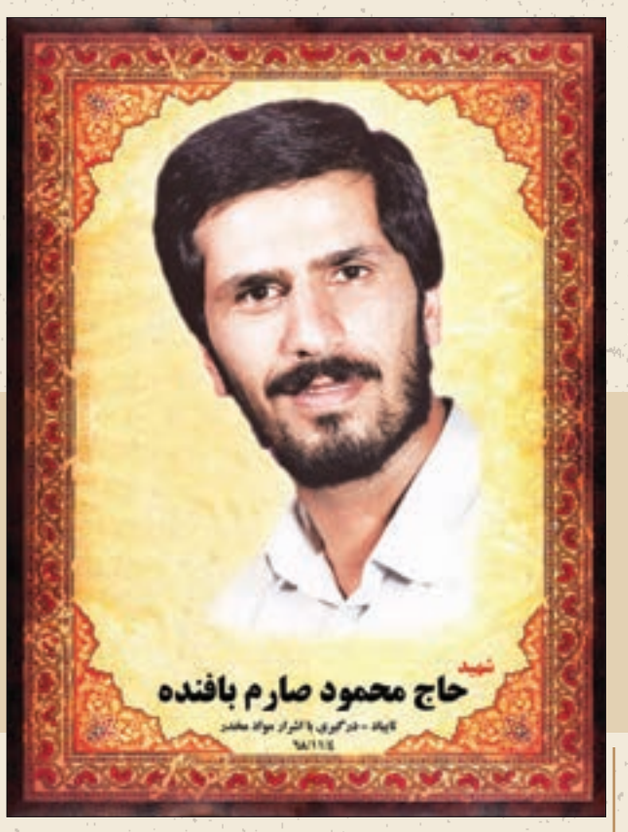

مایه آبروی گرمابه‌دار محل

حاج آقا پنج پسر و دو دختر داشت. فرزندان بزرگ‌تر او، جواد و رضا، افسر نیروی انتظامی بودند، دو ورزشکاری که آبرو و عزت پدر را روی تشک کشتی می‌خریدند و پرچم ایران را در مسابقات بین‌المللی بالا می‌بردند و کاری کردند که پدر سرش را بالا و بالاتر بگیرد. گرمابه‌دار خوش‌مشرب محل اما سرشکستگی‌هایی هم داشت؛ علی‌اصغر که برادر قبل از محمود بود و زخم اعتیاد به جانش نشسته بود. علی‌اصغر که قبل از اعتیاد کشتی‌گیر بود، روزگاری یک خم و دو خم حریفانِ چغر را می‌گرفت، اما حالا خودش زیر یک‌خم روزگار و درد اعتیاد مانده بود. محمود و احمد دو پسر آخر حاجی بودند، با یک سال تفاوت سنی. علی‌اصغر که به دام اعتیاد افتاد، این دو برادر سرشکسته شدند اما احترام تفاوت سنی زیاد با برادر بزرگ‌تر مانع از اعتراض شدید به او می‌شد.

افتخارات خانواده

با علی‌اصغر صارم‌بافنده، خلاصه واگویه‌هایش از زندگی و زمانه رفته را مرور می‌کنیم. می‌خواهیم برسیم به خط و ربط‌هایی که پازل زندگی شهید نیروی انتظامی، محمود صارم‌بافنده را تکمیل می‌کند؛ «محمود و احمد، بچه‌های کوچک خانواده بودند و از شرایط من خیلی حرص می‌خوردند. به واسطه شغل پدرم، همه خانواده‌های محل، ما را می‌شناختند و وقتی من را می‌دیدند، پدرم را سرزنش می‌کردند. زن‌های محله، سر حمام زنانه به مادرم زخم زبان می‌زدند و من مایه آبروریزی همه‌اهل خانه شده بودم.»

سال‌های رهایی

محمود از یک سو تمام تلاشش برای مبارزه با موادفروشان و سوداگران مرگ بود اما از سویی دیگر غم سرشکستگی برادر را هم با خود داشت. محمود همان جوان انقلابی و فعالی است که حمیتش در ایجاد امنیت و آرامش و دستگیری مفسدان، ناخواسته زشتی کردار برادرش را عیان‌تر می‌کرد. علی‌اصغر که حالا نزدیک به ۳۰سال است جسمش را از هر وابستگی‌ای به مواد مخدر رهانیده است، می‌گوید: جواد، برادر بزرگ‌ترم، در نیروی هوایی ارتش بود. هم‌دوره برادران خادم بود و خاطرم هست هردویشان در مسابقاتی که در مغولستان برگزار شد، اول شدند.

مبارزه با مواد مخدر

قصه علی‌اصغر و محمود قصه دو برادر با روزگاری کاملا متفاوت است؛ یکی هم‌نوا با مواد مخدر و دیگری دشمن سوداگران مرگ. محمود اوایل پیروزی انقلاب به عضویت کمیته انقلاب اسلامی درآمد و با گروهی از دوستانش دستگیری توزیع کنندگان مواد مخدر را پیگیری می‌کرد و برای این منظور در گشت‌های شبانه شرکت می‌کرد.

علی‌اصغر می‌گوید: اوایل انقلاب در قهوه‌خانه‌ها تبادل مواد مخدر رایج بود. محمود و امثال او چشم از این‌طور جاها برنمی‌داشتند. می‌رفتند به قهوه‌خانه‌ها و سوداگران را دستگیر می‌کردند ولی محمود توی محل خودمان نمی‌آمد. فکر می‌کنم نمی‌خواست روزی من را در یکی از قهوه‌خانه‌های محل ببیند. برادرم به‌خاطر من خیلی حرف شنید؛ خیلی‌ها می‌گفتند موادفروش و معتاد دستگیر می‌کند اما به برادر خودش کاری ندارد.

محمود و یک روز سرد زمستانی

آن روزها ستاد مبارزه با مواد مخدر تشکیل شده بود و شش گروه فعالانه با مصرف‌کننده‌ها و فروشنده‌ها مبارزه می‌کردند. فعالیت محمود رفته‌رفته بیشتر شد و روزبه‌روز در کارش موفق‌تر می‌شد؛ تاجایی که کارش از محله، به کشور و مرز رسید، آن‌قدر که در شکل و شمایل فروشنده‌ها به افغانستان می‌رفت و قاچاقچیان را دستگیر می‌کرد.

علی‌اصغر با افتخار از محمود یاد می‌کند و در حالی که در مرکز ترک اعتیادی که تأسیس کرده است، نشسته‌ایم، از زندگی برادرش برایمان می‌گوید، ماجرایی که باعث ساخته‌شدن دوباره زندگی علی‌اصغر شد؛ «یک روز برفی بود. چهارم بهمن ۱۳۶۸.»

«با اینکه در مدت مصرفم بیش از صد بار دستگیرم کردند، محمود هیچ‌وقت با من درگیر نشد. چون برادر بزرگ‌تر بودم، همیشه احترامم را داشت. اما بهمن سال ۶۸ روزهای ترک بود. برای بازه زمانی دوماهه‌ای در یک مرکز بازپروری بستری شده بودم. یک روز صبح مدیر داخلی بازپروری صدایم زد و گفت می‌خواهد ترخیصم کند. با تعجب گفتم مدت بستری‌ام تمام نشده و هنوز ۴۰روز شده است! سه نفر از هم‌دوره‌ای‌های محمود، خبر شهادت او را آورده بودند و می‌خواستند من را به مراسم ببرند. لباس‌هایم را پوشیدم و جلو درآمدم. دیدم فرمانده ستاد مبارزه با مواد مخدر و دو نفر دیگر منتظر من ایستاده‌اند. سوار ماشین شدیم و از محمود گفتند و اینکه در مأموریت مجروح شده است.»

اما مجروحیتی در کار نیست، این جسم محمود است که قرار است دیگر در میان خانواده نباشد. علی‌اصغر با کمری خم‌شده از درد خودش، با خبر شهادت برادر به زانو نشست. ۴۰روز در سوگ ماند و این چله فرصت مناسبی برای بازگشت به خویشتن برایش فراهم کرد.

او می‌گوید: شهادت او تأثیر زیادی بر من داشت اما یکی از آثار مهمش، دوری از مواد مخدر بود. تصمیمی که بعدها باعث شد به کمک کسانی بشتابم که امروزشان شبیه گذشته تلخ من بوده است. نجات من از آبروی محمود بود و شهادت هدیه خدا به درستکاری محمود بود.

محمود در بهمن سال ۱۳۶۸ در گلوگاه تایباد در درگیری با اشرار و قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر به شهادت رسید و بعد از رفتن، روزهای سختی پیش روی خانواده‌اش قرار گرفت. بعد از محمود، رضا هم که افسر نیروی هوایی بود در جزیره خارک، دچار موج انفجار شد و بعد هم از دنیا رفت. جواد هم سه سال بعد از شهادت محمود از دنیا رفت. بعد از آن مادر و یک سال بعد هم پدر فوت کرد و این شد که قصه شهادت محمود برای خانواده صارم‌بافنده، به قصه‌ای پرغصه تبدیل شد.

دلتنگی‌های خواهر

خواهر شهید از دلتنگی‌هایش کوتاه با ما صحبت می‌کند؛ از اینکه محمود حتی فرصت نداشت به‌اندازه یک وعده غذا در کنار خانواده باشد. او می‌گوید: محمود تازه از مأموریت تایباد برگشته بود. سر سفره ناهار بودیم که تلفن زدند نیروهایشان درگیر شده‌اند. به محض اینکه این خبر را دادند از پای سفره بلند شد و راه افتاد. ما که از رفتارش حیرت‌زده شده بودیم، گفتیم حداقل تا پایان ناهارت بمان. اما او گفت که بچه‌ها درگیر شده‌اند و کسی آنجا نیست کمکشان کند. او رفت و در درگیری با اشرار مسلح در منطقه تایباد به شهادت رسید.

ماشاا... خانم به ذکر خاطره‌ای از شهید می‌پردازد و می‌گوید: متهمی را توسط کمیته انقلاب دستگیر کرده بودند و با اینکه همه می‌دانستند او فردی خلاف‌هایش است، چون تمام مدارک تخلفاتش را قبل از دستگیری از بین برده بود، آزادش کردند. او می‌دانست که محمود در زندگی شخصی‌اش چیزی ندارد، این بود که به او پیشنهاد داده بود برایش ماشین بخرد. برادرم اما درخواست او را رد کرده بود. تا اینکه این متهم برای فرار از پیگیری دوباره محمود برای به‌دست‌آوردن مدارک دستگیری‌اش، ۳۰۰هزار تومان جواهرات خرید و در پاکتی برای برادرم ارسال کرد. اما برادرم که به‌شدت از رفتار او ناراحت شده بود، پاکت جواهرات را به همراه متهم، به دست قانون سپرد. محمود را برایمان مهربان توصیف می‌کنند و درعین حال مقتدر. حرف‌هایی که بعد از شهادتش خوبی‌هایش را بیشتر برای خانواده عیان می‌کند. در زمان تشییع پیکرش، فرماندهانی که از نیروی انتظامی و ستاد مبارزه با مواد مخدر می‌آمدند می‌گفتند شهید صارم، انسانی به غایت درستکار بوده است. هنگام مبارزه با اشرار حتی به او پیشنهاد شده بود یک کیلو طلا به عنوان رشوه دریافت کند اما از این پیشنهاد فقط برای ضمیمه پرونده استفاده کرد و نفسش را نفروخت. محمود شهید شده و یک برادر بیش از یک ربع قرن است که به زندگی بازگشته و دارد آدم‌های زیادی را به زندگی برمی‌گرداند. محمود رفته اما نام او بر سردر پاسگاه مرزی «شهید محمود صارم بافنده» مانده است تا یادآور کارهای خیر و کمک‌های مخفیانه‌اش به آن‌هایی باشد که او را می‌شناسند. کارنامه زندگی محمود پر است از تلاش برای نجات انسان‌ها از چنگال اعتیاد. و شاید به پاس همین پیگیری‌ها بود که علی‌اصغر هم به خواست خدا توانست از افیون و دود خلاص شود.

علی اصغر صارم بافنده، برادر شهید:

محمود روزبه‌روز در کارش موفق‌تر می‌شد؛ تاجایی‌که کارش از محله، به کشور و مرز رسید، آن‌قدرکه در شکل و شمایل فروشنده‌ها به افغانستان می‌رفت و قاچاقچیان را دستگیر می‌کرد

برادر شهید محمود صارم بافنده: شهادت او تأثیر زیادی بر من داشت اما یکی از آثار مهمش، دوری از مواد مخدر بود. تصمیمی که بعدها باعث شد به کمک کسانی بشتابم که امروزشان شبیه گذشته تلخ من بوده است

شهادت با دست‌های بسته

۴ سال از بازگشت پلاک و استخوان ۱۷۵ غواص شهید عملیات کربلای ۴ می‌گذرد

تقویم‌ها سوم دی را نشان می‌داد. قرار بود عملیات بزرگی انجام شود. چهار منطقه شلمچه، ابوالخصیب، مقابل ام‌الرصاص و جزیره مینو، نقاط مدنظر بود.

غواص‌های خودی، ساعاتی قبل از عملیات، درون آب رفتند و به‌سمت خط دشمن حرکت کردند. نیروهای دشمن اما کاملا آماده و هوشیار بودند. آن‌ها ضمن پرتاب منور، با تیربار و خمپاره به طرف نیروهای ایرانی شلیک می‌کردند. درمجموع، عملیات خارج از کنترل و هدایت فرماندهی قرار گرفته بود و قبل از هر دستوری یگان‌ها باتوجه‌به نوع وضعیت و هوشیاری و واکنش دشمن، به‌محض رسیدن به ساحل، درگیری را آغاز کردند. در این شرایط، رمز عملیات کربلای ۴ اعلام شد و نیروهای عمل‌کننده فقط توانستند در جزایر سهیل، قطعه، ام‌الرصاص، ام‌البابی و بلجانیه نفوذ کنند. درمقابل، دشمن با پرتاب پی‌درپی منور و بمباران کنار نهر عرایض (عقبه برخی از یگان‌ها) و همچنین اجرای آتش مؤثر روی رودخانه اروند، عملا سازمان غواص‌ها و نیروهای موج دوم و سوم را به هم زد.

در عملیات کربلای ۴ هیچ‌گاه مظلومیت و شجاعت رزمندگان فراموش نمی‌شود. رادارهای آمریکایی به جبران قضیه مک فارلین، تمام جزئیات عملیات را به عراقی‌ها داده بودند. رمز عملیات «یا محمد(ص)» بود که ساعت ۲۲:۴۵ روز سوم دی سال ۶۵ اعلام شد.

۲۸اردیبهشت سال ۹۴ در مراسم ورود پیکر شهدای تازه تفحص‌شده به کشور، بمب خبری بزرگی منتشر و منشأ تحول و آگاهی مردم شد. خبر این بود: «کشف پیکر مطهر ۱۷۵شهید غواص دفاع مقدس با دستان بسته». این شهدا که جمعی از غواصان و خط‌شکنان عملیات کربلای ۴ بودند، دی‌ماه سال ۶۵ درجریان عملیات کربلای ۴ که طرح آن توسط آواکس‌های آمریکایی لو رفته بود، خط عملیاتی اروند را شکستند و حتی از جزیره ام‌الرصاص عبور کردند. طبق شواهد موجود، این رزمندگان درحالی‌که بیشترشان مجروح بودند، جلوتر از خط مقدم به اسارت دشمن درآمدند و با دست‌ها و بعضا پاهای بسته، در یک گور دسته‌جمعی دفن شدند و پیکر آنان بعداز ۳۰سال توسط تیم تفحص پیکر مطهر شهدا کشف شد. نقطه‌ای که شهدا در آن پیدا شدند، ۱۵کیلومتر جلوتر از خط مقدم یعنی ابوفلوس در منطقه ابوالخصیب عراق بود.

بعد از انتقال پیکرها، عملیات شناسایی هویت شهدا در معراج شهدای مرکز، آغاز و هویت بیش‌از ۵۰شهید مشخص شد. این شهدا غواصان و خط‌شکنان چهار یگان ۲۵کربلا، ۴۱ثارا...(ع)، ۱۴امام‌حسین(ع) و ۷ولی‌عصر(عج) بودند. اکثر این شهدا روز ۲۵شوال برابر با ۲۰مرداد۹۴ مصادف با شهادت امام‌جعفرصادق(ع) در استان‌های خوزستان، مازندران، اصفهان، گلستان و کرمان تشییع و به خاک سپرده شدند. ۱۰شهید از استان اصفهان، ۱۰شهید از استان کرمان، ۷شهید از استان مازندران، ۶شهید از استان خوزستان، یک شهید از استان البرز، شناسایی و با نام و نشان به خاک سپرده شدند و بقیه نیز به‌صورت گمنام میان سیل خروشان احساسات پاک مردم و در خاک آرام گرفتند.

قاب خاطره

یاد باد آن روزگاران...

برای آن‌ها تفاوتی نداشت در کدام سنگر باشند؛ دفاع مهم بود و ایستادگی در مقابل دشمن. خیلی از آن‌ها که آن روزگار توفیق دفاع از کشور را داشتند، با تماشای این تصاویر حس خوبی می‌دود زیر پوستشان؛ حسی از غرور برای ایستادگی در مقابل دشمنی که آمده بود تا بماند و خاک وطن را به یغما ببرد.

هفته‌ای که گذشت

برگزاری مجمع عمومی انجمن جانبازان نخاعی

مجمع عمومی انجمن جانبازان نخاعی ۲۷آذر در مجتمع ایثار واقع در کُردان کرج برگزار شد.

رونمایی از مزار بازسازی‌شده شهید اهل سنت

مزار بازسازی‌شده شهید اهل سنت، جمشید فیض تیموری، با حضور فرماندار این شهر، امامان جمعه اهل تسنن و تشیع، در روستای صالح‌آباد خراسان‌رضوی رونمایی شد. این شهید گران‌قدر از شهدای نیروی انتظامی است که ۱۶آبان سال ۶۶ در مرز تایباد، هنگام درگیری با اشرار مسلح، به شهادت رسید.

حضور فاطمیون در «یلدای هم‌زبانی»

در ویژه‌برنامه «یلدای هم‌زبانی» به‌همت معاونت اجتماعی شهرداری تهران، از خانواده شهدای مدافع حرم فاطمیون تقدیر شد.

حمایت بنیاد حفظ آثار از پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

سردار بهمن کارگر، رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، در دیدار با سرلشکر یحیی‌رحیم صفوی، مشاور عالی و دستیار فرماندهی معظم کل قوا، حمایت و پشتیبانی کامل این بنیاد از پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس برای تحقق اهداف و وظایف تعیین‌شده توسط رئیس ستاد کل نیروهای مسلح را اعلام کرد.

اذعان صهیونیست‌ها به اقتدار دریایی ایران

روزنامه جروزالم پست، رسانه منتسب به رژیم صهیونیستی در واکنش به خبر برگزاری رزمایش سه‌جانبه دریایی ایران، چین و روسیه، این رزمایش را پیروزی برای تهران باوجود فشارهای آمریکا برشمرد و آن را پاسخی به ائتلاف دریایی فرانسه دانست.

حضور بیش از ۶۵۰۰ حافظ قرآن در نیروی زمینی ارتش

حجت‌الاسلام علی صالحی‌نسب، رئیس سازمان عقیدتی‌سیاسی نیروی زمینی ارتش، از حضور بیش‌از ۶۵۰۰حافظ قرآن در نزاجا خبر داد.

تمام تجهیزات دفاعی خود را در داخل تولید می‌کنیم

امیر دریادار سیاری، معاون هماهنگ‌کننده ارتش در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه «تمام تجهیزات دفاعی خود را در داخل تولید می‌کنیم»، گفت: عواملی همچون عمر انقلابی به تجهیزات و توجه به نیروی خلاق و باپشتکار، از مؤلفه‌های اثرگذار قدرت دفاعی محسوب می‌شود.

رونمایی از مجموعه ۱۴ جلدی «الگوی شهیدان»

در دی ماه و در دهمین نمایشگاه ملی «دفاع مقدس، انقلاب اسلامی، مقاومت» از مجموعه ۱۴جلدی «الگوی شهیدان» رونمایی می‌شود. این مجموعه به‌صورت موضوعی و از خاطرات شهدای دفاع مقدس در گستره جغرافیایی کشور جست‌وجو، گردآوری، تنظیم و دسته‌بندی شده و از بیش‌از ۱۲۰۰شهید خاطره نقل شده است.

بلاتکلیفی ۵۰۰ میلیون سند دفاع مقدس

محمدرضا سنگری، نویسنده و پژوهشگر دفاع مقدس، با طرح پیشنهادی برای ایجاد فرهنگستان دفاع مقدس گفت: حدود ۵۰۰میلیون سند از دفاع مقدس وجود دارد اما کسی نمی‌داند این اسناد اکنون دقیقا کجاست و یک پژوهشگر چقدر به این اسناد دسترسی دارد.

تقویم تاریخ

۱) ۳ دی ۱۳۶۵: اجرای عملیات کربلای ۴ در منطقه غرب اروند، جنوب خرمشهر و در غرب جزیره مینو

۲) شهادت سردار حمید تقوی در دفاع از عتبات عالیات در سامرا (۱۳۹۳)